

افتضاح دیگر گنجینه آرایشگر و دیزاین دفتر: حکیم الله رامش

گنجینه آرایشگر کیست و چه هنر دارد؟ صلاحیتدار جا بجا سازی تمام وسائل در دفاتر رسمی و حتی دفاتر مربوط ریاست جمهوری.

از یک ما به این سو توسط خانم رامشگر و پر طمطراقی بنام گنجینه ای از کشور جمهوری اسلامی ایران که به اثر یک قرار داد وارد افغانستان شده گز و پل دفتر و تعیین مشخصات دفتر معاون دوم رئیس جمهور صورت میگیرد. این خانم آرایشگر منظوری پروژه دیکور و تزئین دفتر معاون دوم ریاست جمهوری را به کمک و رهنمائی جناب صادق مدبر از آن خود نموده. تا هنوز که هنوز است حدود یکصد هزار دالر امریکائی مصرف فرش، ظرف، پرده ها و دیکور دفاتر معاون دوم رئیس جمهور شده که این پروسه تا هنوز بدون توقف ادامه دارد. حال ما را عقیده بر این است که توپ برد و باخت افغانستان به نوک انگلستان پای هنرمندان و سیاستمداران ایرانی برابر شده هر طوریکه دل شان خواست شوت میکنند. یکی در داخل قصر ریاست جمهوری اجیر استخدام میکند و دیگر متولی دفتر معاون است.

در شرائط مدرن کنونی و با عصر حاضر برای هرکس اجازه داده نمیشود تا وارد دفاتر رسمی آنهم در سطح معاونیت رئیس جمهور یک کشور شود. چه احتمال جابجا سازی بسیار آلات استخباراتی هم موجود است. حال که جناب خلیلی این صلاحیت را برای یک خانم ایرانی بنام " گنجینه" داده سوال های زیاد در حافظه ذهن عبور میکند. آیا تزئین و دیکور یک دفتر به این حد یک ضرورت است؟ آیا در افغانستان کسی توانایی دیکور و تنظیم یک دفتر را ندارد و یا اینکه کسی مورد اعتماد نیست. آیا در شرایطی که مداخله ایران در امور افغانستان از حد گذشته مسائل استخباراتی خاص در راه است که تمام حرکات معاونین رئیس جمهور را کنترل کند. آیا این کار معاون اول رئیس جمهور را نیز حریص میسازد تا دفتر خود را به یکی از کمپنی های خارجی بسپارد و مسابقه براه افتد که رئیس جمهور آرایشگران پاکستانی و معاون اول تاجیکی را به کمک دعوت کند مسائل دیگر. سر انجام هست و بود ما بدست مستخدمین استخبارات همسایه بیفتد.

سرمایه گذاری های خصوصی: از زمانیکه پای شرکت ها و کمپنی های خصوصی به افغانستان باز شده کشور آهسته آهسته از کنترل افغانها بیرون شده است طوری که این رقابت بر رقابت مداخله تبدیل شده حال هر یکی از کشور های دور و نزدیک با آغاز اجرای پروژه های خورد و بزرگ در تلاش اند جایگاه و نقش خود را در اداره کشور ما تثبیت سازند. مداخلات سیاسی و فرهنگی زیاد وجود دارد که فرهنگ کشور ما را زیر تأثیر برده است. امروز ما بجای دو لسان رسمی سه لسان رسمی داریم پشتو دری و انگلیسی. شرط پذیرش به دفاتر نوشتن بیوگرافی به انگلیسی است یعنی سی وی (CV) و باید بجای در خواستی اپلای (Apply) کنیم. اگر کسی بر زبان سوم یعنی انگلیسی مسلط نباشد دیگر آن دو لسان دیگر هیچ ارزشی ندارد. ما در برابر مداخله هر کشور یک قربانی میدهیم مداخله که آنرا همدردی و همکاری مینامند.

چرا انتقاد؟ نوشتن این مطلب و انتقاد از تسلط یک خانم ایرانی بنام " گنجینه" در قصرهای ریاست جمهوری به این منظور صورت گرفته تا بگوئیم در شرایط فعلی ما به دیکور و تزئین دفتر که مصارف آن بالاتر از صد هزار دالر باشد نیاز نداریم. ثانیاً دادن صلاحیت تنظیم و تزئین دفتر معاون رئیس جمهور خطرات زیاد را در پی دارد. مثلاً مسائل جابجا سازی سامان و لوازم استخباراتی در داخل قصرهای رهبران بی خبرما. در نهایت یک اهانت ملی است که ملت ما را خیلی ضعیف و بی سلیقه نشان می دهد که توانایی و هنر تنظیم و دیکور یک دفتر را ندارند. و در آخر عمق وابستگی که پیامد های ناگوار دارد و اگر ما در انداختن فرش و گذاشتن ظرف خود هم از کمپنی های خارجی و همسایه ها کمک بطلبیم معنی اش این است که ما هیچ کاری جز خوردن و خوابیدن نداریم لذا این کشور با این بی تفاوتی آباد نمیشود.

امید وارم رهبران ما در انداختن بستره خواب شان از خارجی ها مدد نجویند که آخرین مرحله افتضاح است.

پایان